کیهان

دوشنبه اول دی ۱۴۰۴ □ اول رجب ۱۴۴۷ □ ۲۲ دسامبر ۲۰۲۵ □ شماره ۲۴۰۳۶

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۰۳، اذان مغرب: ۱۷/۱۵، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۸، اذان صبح(فردا): ۵/۴۱، طلوع آفتاب(فردا): ۷/۱۱

جولانی «جولان» را به صهیونیست‌ها تقدیم کرد

انتشار تصویری از سوی وزارت خارجه رژیم جولانی که در آن بلندی‌های جولان اشغالی از نقشه حذف شده است، واکنش‌های گسترده‌ای به دنبال داشته است.

بلندی‌های جولان یک فلات استراتژیک در جنوب‌غربی سوریه است که در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ توسط رژیم آپارتاید اسرائیل اشغال شد. حالا، آن‌طور که «فارس» نوشته است، حساب رسمی وزارت خارجه دولت شورشیان تروریست سوریه اخیراً تصویری در شبکه اجتماعی «ایکس» منتشر کرده است که در آن بلندی‌های جولان را از مرزهای ترسیم‌شده سوریه حذف شده است. در سال ۱۹۸۱، تل‌آویو عملاً آن را به اراضی اشغالی الحاق کرد، اما این اقدام توسط جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته نشد. این اقدام تنها چند روز بعد از اظهارات «دونالد ترامپ» انجام شده است. ترامپ گفته بود حقوق حاکمیت بلندی‌های جولان را به اسرائیل اعطا کرده و هیچ رئیس‌جمهوری پیش‌تر چنین کاری نکرده است. انتشار تصویر جدید از نقشه سوریه به دلیل نحوه ترسیم مرزها موجی از انتقاد و خشم را در فضای مجازی به راه انداخته است.

مواد مخدر و روانگردان ابزار جدید صهیونیست‌ها برای نابودی غزه

منابع امنیتی در نوار غزه از گسترش پدیده‌ای تازه در جنگ رژیم اشغالگر اسرائیل علیه این منطقه خبر می‌دهند؛ پدیده‌ای که فراتر از بمباران، محاصره و تیراندازی، به جنگی خاموش علیه جامعه غزه تبدیل شده است: قاچاق سازمان‌یافته موادمخدر.

به گزارش وبگاه «عربی ۲۱»، این منابع اعلام کرده‌اند ارتش اشغالگر اسرائیل طی ماه‌های اخیر، عملیات قاچاق انواع مختلف موادمخدر به نوار غزه را به‌طور محسوسی تشدید کرده است؛ عملیاتی که از طریق شبکه‌ای از عوامل، همکاران و شبه‌نظامیان مسلح در داخل و خارج از مناطق تحت کنترل اشغالگر انجام می‌شود. براساس این گزارش، قاچاق موادمخدر با استفاده از پوشش‌های مختلف صورت می‌گیرد که مهم‌ترین آنها کاروان‌های کمک‌رسانی ورودی به غزه و کامیون‌های بخش تجاری است که از گذرگاه‌های تحت کنترل اسرائیل عبور می‌کنند. منابع امنیتی می‌گویند موادمخدر به صورت عمدی در میان کالاهای غیرنظامی، به‌ویژه محصولات غذایی، کنسروها و بسته‌هایی که در جعبه‌های فلزی یا کارتن‌های ضخیم قرار دارند، جاسازی می‌شود.

فارن افرز: هیچ کشوری در دنیا به آمریکا اعتماد ندارد

سرویس خارجی-

«فارن‌افرز» در مقاله‌ای به قلم دو تن از مقامات سابق دولت آمریکا تاکید کرده است که دیگر هیچ کشوری در جهان و حتی متحدان، به آمریکا اعتماد ندارند «دوران اتکا به آمریکا برای حفظ نظم جهانی تمام شده است.»

این روزها و به دنبال انتشار سند استراتژی جدید امنیت ملی آمریکا، بار دیگر بحث درباره افول آمریکا و پایان هژمونی این کشور برجسته شده است و همین موضوع بهانه‌ای شده تا اندیشکده‌ها و کارشناسان دوباره موضوع افول آمریکا و بی‌اعتمادی به این کشور را برجسته کنند. «فیلیپ اچ. گوردون» و «مارا کارلین» دو تن از مقامات سابق دولت آمریکا در دوره بایدن هم در مقاله‌ای که نشریه آمریکایی «فارن‌افرز» آن را منتشر کرده است، هشدار می‌دهند که سال نخست دولت دوم ترامپ نشان داد که دوران اعتماد به آمریکا دیگر به سر رسیده است. به گفته این دو پژوهشگر متحدان آمریکا در اروپا، شرق آسیا و «خاورمیانه» دیگر نمی‌توانند روی حمایت‌های پایدار آمریکا حساب کنند و باید طرح جایگزینی برای خود داشته باشند. آنها تاکید می‌کنند متحدان اروپایی و آسیایی برای حفظ حمایت آمریکا، تلاش کرده‌اند با چاپلوسی، افزایش بودجه دفاعی، وعده سرمایه‌گذاری‌های کلان در آمریکا و پذیرش توافق‌های تجاری یک‌طرفه، ترامپ را راضی نگه دارند. با این حال، این اقدامات تنها می‌تواند همکاری نمادین یا کوتاه‌مدت ایجاد کند و حمایت پایدار را تضمین نمی‌کند.

فارن‌افرز می‌نویسد: سال نخستِ دولت دوم دونالد ترامپ نشان داد که دوران اتکای متحدان به آمریکا برای حفظ نظم جهانی به پایان رسیده است. کنار گذاشتن سیاست خارجی سنتی آمریکا از سوی ترامپ پیامدهای عمیقی برای نظم جهانیِ در حال تحول و برای همه کشورهایی دارد که دهه‌ها به‌شدت به آمریکا تکیه کرده‌اند. واقعیت این است که آن‌ها «طرح جایگزین» روشنی ندارند. بسیاری از نزدیک‌ترین دوستان واشنگتن آمادگی مواجهه با جهانی را ندارند که در آن دیگر نمی‌توانند روی کمک آمریکا برای حفاظت از خود حساب کنند؛ چه رسد به جهانی که آمریکا در آن به یک رقیب یا حتی دشمن تبدیل شود. آنها با اکراه در حال درک این نکته‌اند که جهان تا چه اندازه در حال تغییر است و می‌دانند که باید خود را آماده کنند. اما سال‌ها وابستگی، شکاف‌های عمیق داخلی و منطقه‌ای، و ترجیح هزینه‌کرد برای نیازهای اجتماعی به‌جای دفاعی، آنها را از داشتن گزینه‌های عملی کوتاه‌مدت محروم کرده است.

آرزو تا واقعیت

در ادامه این مقاله آمده است: در حال حاضر، بیشتر متحدان آمریکا صرفاً در حال خریدن زمان هستند و می‌کوشند تا حد امکان حمایت واشنگتن را حفظ کنند و همزمان درباره گام بعدی بیندیشند. آنها با ستایش‌های چاپلوسانه از ترامپ دلجویی می‌کنند، به او هدیه می‌دهند، در مراسم‌های مجلل میزبانی‌اش می‌کنند، وعده افزایش هزینه‌های دفاعی می‌دهند، توافق‌های تجاری نامتوازن را می‌پذیرند، تعهد (هرچند نه لزوماً اجرا) به سرمایه‌گذاری‌های عظیم در ایالات‌متحده می‌سپارند، و اصرار می‌ورزند که اتحادهایشان با آمریکا همچنان قابل دوام است. آنها همه این کارها را با این امید انجام می‌دهند که، همان‌طور که پس از دوره نخست ترامپ رخ داد، او بار دیگر جای خود را به رئیس‌جمهوری بدهد که به حفظ نقش سنتی آمریکا در جهان پایبندتر باشد. اما این طرز فکر بیشتر به آرزو شباهت دارد تا واقع‌بینی. ترامپ سه سال دیگر در قدرت خواهد بود؛ زمانی بیش از اندازه کافی برای فرسایش بیشتر نظام اتحادها یا برای بهره‌برداری رقبا از خلأیی که ایالات‌متحده بر جای گذاشته است. متحدان آمریکا شاید اکنون «طرح جایگزین» نداشته باشند اما بهتر است هرچه سریع‌تر دست به کارِ تدوین یک طرح جایگزین شوند.

چاپلوسی جواب نمی‌دهد

فارن‌افرز با انتقاد از رویکرد متملقانه متحدان آمریکا می‌نویسد: نمی‌توان متحدان آمریکا در اروپا، آسیا و منطقه خلیج فارس را به‌خاطر تلاش برای دلجویی از ترامپ سرزنش کرد. آنها گزینه‌های چندان خوبی برای اتکا به چیزی غیر از آمریکا برای امنیت و رفاه خود ندارند. اما نباید در توهم باشند: ترامپ فردی معامله‌گر است، منافع ملی را به‌طور محدود تعریف می‌کند و تنها به خودش وفادار است. چاپلوسی و وعده‌های سرمایه‌گذاری پرسروصدا ممکن است کمک کند تا دیدارهای مثبتی برگزار شود یا توافقات نمادین شکل گیرد، اما به‌سختی می‌توانند حمایت پایدار را تضمین کنند.

به نوشته فارن‌افرز تصور جهانی که در آن متحدان پیشین، آمریکا را نه‌تنها غیرقابل اعتماد بلکه نامحبوب و حتی دشمن ببینند، دیگر چندان دور از ذهن نیست. اعتماد به آمریکا فروپاشیده است. طبق یک نظرسنجی از مردم ۲۴ کشور که توسط مرکز تحقیقات پیو در ژوئن(خرداد) گذشته منتشر شد، اکثریت بزرگی در بیشتر این کشورها اعلام کردند که «اعتمادی ندارند» که ترامپ «در امور جهانی کار درست را انجام دهد.»

پایان دوران رهبری آمریکا به روایت فرید زکریا

«فرید زکریا»، یکی از شناخته‌شده‌ترین تحلیلگران سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در جهان نیز رویکرد جدید ترامپ در مورد ونزوئلا و به‌طور کلی آمریکای لاتین را نشان‌دهنده دوران گذار آمریکا از رهبری جهانی می‌داند.

زکریا، در مقاله‌ای که مجله آمریکایی «فارین‌پالیسی» آن را منتشر کرده است، استدلال می‌کند که سیاست خارجی دونالد ترامپ، به‌ویژه در دوره پایانی ریاست‌جمهوری‌اش، بیش از هر زمان دیگری به یک منطق قدیمی اما قدرتمند نزدیک شده است: دکترین مونرو. این رویکرد، که ریشه در قرن نوزدهم دارد، بر این اصل استوار است که نیمکره غربی حوزه نفوذ انحصاری آمریکا است و قدرت‌های خارجی نباید در آن نقش تعیین‌کننده داشته باشند. زکریا می‌افزاید: اما نسخه ترامپی دکترین مونرو، نه یک بازگشت نوستالژیک ساده، بلکه تفسیری مدرن، سختگیرانه و عاری از آرمان‌گرایی است که پیامدهای مهمی برای نظم منطقه‌ای و جهانی دارد.

به گزارش فارس، یکی از مهم‌ترین نکات تحلیلی زکریا این است که نسخه ترامپی دکترین مونرو، برخلاف نسخه‌های دوران جنگ سرد، فاقد توجیهات ایدئولوژیک است. ترامپ نه به ترویج دموکراسی علاقه‌مند است و نه حقوق بشر را معیار اصلی سیاست خارجی می‌داند. حمایت یا مخالفت با دولت‌های آمریکای لاتین، صرفاً براساس هم‌سویی با منافع کوتاه‌مدت آمریکا انجام می‌شود. دولت‌های اقتدارگرا، در صورت همکاری در حوزه‌هایی مانند مهاجرت، امنیت یا مقابله با چین، از فشار سیاسی در امان می‌مانند.

طبق استدلال این روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی، سیاست ترامپ در نیمکره غربی به‌شدت تحت تأثیر دغدغه‌های داخلی است. مهاجرت غیرقانونی، قاچاق موادمخدر و امنیت مرزها به محورهای اصلی تعامل آمریکا با همسایگانِ جنوبی‌اش تبدیل شده‌اند. کشورهای آمریکای لاتین عملاً به دیوارهای امنیتی بیرونی آمریکا تبدیل می‌شوند؛ به این معنا که از آنها انتظار می‌رود جریان مهاجران را مهار کنند، حتی اگر این کار به قیمت بی‌ثباتی داخلی یا نقض حقوق بشر تمام شود. در چارچوب این رویکرد، نهادهای چندجانبه مانند سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) یا توافقات منطقه‌ای جایگاه خود را از دست می‌دهند.

نتایج معکوس

زکریا هشدار می‌دهد که احیای دکترین مونرو، هرچند در کوتاه‌مدت ممکن است قدرت آمریکا را به نمایش بگذارد، اما در بلندمدت نتایج معکوس به همراه دارد. فشار بیش از حد می‌تواند: احساسات ضدآمریکایی را تقویت کند، دولت‌ها را به همکاری پنهان یا آشکار با چین و روسیه سوق دهد، نفوذ آمریکا را نه از طریق رقابت، بلکه از طریق اجبار تعریف کند.

بسیاری از کشورها ممکن است ظاهراً با واشنگتن همراهی کنند، اما در عمل به‌دنبال کاهش وابستگی به آن باشند. زکریا این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که سیاست خارجی ترامپ در نیمکره غربی، نه یک انحراف موقتی، بلکه نشانه‌ای از تغییر عمیق در نگاه آمریکا به جهان است: گذار از رهبری جهانی به مدیریت حوزه‌های نفوذ. دکترین مونرو، در این خوانش جدید، دیگر یک اصل دفاعی نیست، بلکه ابزاری برای بازتعریف قدرت در عصر رقابت قدرت‌های بزرگ است.

واکنش حزب‌الله عراق به طرح خلع سلاح مقاومت:

حرفش را هم نزنید باشد برای پس از خروج کامل ناتو

سرویس خارجی-

حزب‌الله عراق بر مخالفت قاطع خود با هرگونه حرف و حدیث درخصوص خلع سلاح این نیروها تأکید کرد و گفت: «حرفش را هم نزنید؛ باشد برای پس از خروج کامل ناتو!»

در محیط‌های سیاسی و امنیتی پیچیده، پرسش درباره نحوه مدیریت قدرت نظامی و ابزارهای دفاعی همواره یکی از شاخص‌های مهم ثبات و مشروعیت محسوب می‌شود. تجربه تاریخی جوامع مواجه با مداخلات خارجی نشان می‌دهد که انحصار قدرت نظامی در دست یک نهاد دولتی، بدون ایجاد زیرساخت‌های پایدار امنیتی و مشروعیت اجتماعی، می‌تواند زمینه بی‌اعتمادی و نارضایتی عمومی را فراهم کند. در این چارچوب، گروه‌هایی که خود را حافظ امنیت و منافع جامعه می‌دانند، نقش اساسی در شکل‌دهی به توازن قدرت و ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدات خارجی ایفا می‌کنند. تحلیل این وضعیت نیازمند درک رابطه میان حاکمیت، مشروعیت اجتماعی و امنیت ملی است، چرا که هرگونه تصمیم‌گیری در مورد قدرت نظامی، اثرات مستقیم و بلندمدتی بر انسجام جامعه و پایداری سیاسی خواهد داشت. پس دور از هرگونه شعار و خطابه‌های آتشین هم می‌شود به بحث ضرورت وجود گروه‌های مقاومتِ مسلح پرداخت.

سلاح به کسی تحویل نمی‌دهیم!

گردان‌های حزب‌الله عراق با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که با هرگونه حرف و حدیث درخصوص خلع سلاح خود یا انحصار سلاح در دست دولت مخالف است. به گزارش «مهر» به نقل از «اسپوتنیک»، در این بیانیه آمده است، مقاومت یک حق مشروع به‌شمار می‌رود و سلاح در دستان نیروهای مجاهد گردان‌های حزب‌الله عراق باقی خواهد ماند. سخن گفتن درباره توافق با دولت در این خصوص تنها بعد از خروج تمام نیروهای اشغالگر ناتو و نیروهای ارتش ترکیه امکان‌پذیر است. در این بیانیه تأکید شده است، باید از سلامت ملت عراق و مقدسات این کشور در برابر تهدیدات عناصر وابسته به جولانی و نیروهای پیشمرگ مطمئن بود. در این بیانیه آمده است، تحقق حاکمیت کامل در عراق و امنیت در این کشور و ممانعت از مداخلات خارجی مقدمات اصلی برای سخن گفتن درباره انحصار سلاح در دست دولت خواهد بود. هر کسی به دنبال تحویل دادن سلاحش بدون تحقق حاکمیت کامل در عراق است، به صورت شخصی تصمیم می‌گیرد.

روز گذشته نیز «عبدالقادر کربلایی»، معاون نظامی جنبش النجباء، در بیانیه‌ای بر تداوم مقاومت این جنبش علیه نیروهای آمریکایی تأکید کرد. وی ادامه حضور نظامی آمریکا در عراق را نقض آشکار حاکمیت این کشور دانست و مخالفت خود را با هرگونه وقت‌کشی در اجرای توافق خروج نیروهای خارجی اعلام کرد. البته پیش‌تر «فائق زیدان»، رئیس شورای عالی قضائی عراق، مدعی پاسخ مثبت گروه‌هایِ مسلح به انحصار سلاح در دست دولت شده بود که مشخص نیست که این ادعا دقیقاً در چه بستری زده شده است و منظور از آن چیست؛ چنان‌که آمد مقاومت عراق سلاح خود را تسلیم نخواهد کرد، چراکه عراق را در محاصره گرگ‌ها می‌بینند!

خبر دیگر آن‌که سازمان حشدالشعبی با صدور فراخوانی از مردم برای مشارکت در یک تظاهرات میلیونی در خیابان فرودگاه بین‌المللی بغداد به‌منظور گرامیداشت یاد فرماندهان پیروزی دعوت کرد. این سازمان در بیانیه‌ای اعلام کرد: «راهپیمایی میلیونی سالانه به‌منظور احیای ششمین سالگرد شهادت فرماندهان پیروزی و همراهان آنان، در محل هدف قرار گرفتن توسط آمریکا در خیابان شهید ابومهدی المهندس (خیابان فرودگاه) برگزار می‌شود.» این مراسم روز ۲ ژانویه ۲۰۲۶ (۱۲ دی ۱۴۰۴)، پس از نماز مغرب تا ساعاتی پس از نیمه‌شب، برگزار خواهد شد. همچنین از این کشور خبر می‌رسد که دستگاه اطلاعات ملی عراق با رد یک گزارش رسانه‌ای، اعلام کرد بغداد هیچ‌گونه پیام یا هشدار رسمی درباره احتمال هدف قرار گرفتن این کشور با حملات نظامی دریافت نکرده و این ادعاها کاملاً بی‌اساس است.

چرایی ضرورت مقاومت

وجود گروه‌های مقاومت در ساختار امنیتی عراق، نه صرفاً به عنوان بازیگر نظامی، بلکه به عنوان عامل بازدارندگی و حافظ توازن قدرت، ضرورتی اساسی برای حفاظت از استقلال و حاکمیت کشور محسوب می‌شود. این گروه‌ها نقش مکملی در تضمین امنیت محلی و ملی دارند و می‌توانند مانع نفوذ نیروهای خارجی و فشارهای بیرونی شوند که بدون هماهنگی با منافع جامعه اعمال می‌شوند. تحلیل تجربیات تاریخی و میدانی نشان می‌دهد که حضور این نیروها، ضمن حفظ بازدارندگی، زمینه گفت‌وگوی معنادار میان نهادهای دولتی و جامعه را فراهم می‌آورد و شرایط را برای توسعه امنیت پایدار و مشروعیت جمعی تقویت می‌کند. به این ترتیب، تداوم و سازمان‌دهی این گروه‌ها، با رعایت چارچوب‌های قانونی و توجه به امنیت مردم، نه تهدید، بلکه بخشی از ساختار دفاعی و ثبات ملی به‌شمار می‌رود.

آمریکا نفت چین را در دریای کارائیب دزدید!

در ادامه دزدی دریایی آمریکا در منطقه دریای کارائیب منابع خبری اعلام کردند که آمریکا یک نفتکش دیگر متعلق به ونزوئلا را که نفت این کشور را برای چین می‌برده است، دزدید.

اقدامات جنایتکارانه و غارتگرایانه آمریکا در منطقه آمریکای لاتین و علیه دولت ونزوئلا تمامی ندارد. تا به این جای کار در دست‌کم ۲۸ حمله هوائی بیش از ۱۰۴ تن از ماهیگیران ونزوئلا در دریای کارائیب و شرق اقیانوس آرام توسط آمریکا کشته شده‌اند. آمریکا همچنین از هفته گذشته محاصره دریایی ونزوئلا را تشدید کرده است. هفته گذشته واشنگتن در همین راستا یک نفتکش غول‌پیکر ونزوئلا را مصادره کرد. شامگاه شنبه نیز منابع خبری غربی اعلام کردند که نیروهای آمریکایی یک نفتکش تحت پرچم پاناما و متعلق به چین را در نزدیکی سواحل ونزوئلا توقیف کرده‌اند؛ اقدامی که کاراکاس آن را «تجاوز به حاکمیت» و «جنگ اقتصادی» توصیف کرده است.

به گزارش رویترز سه مقام آمریکایی این عملیات را تأیید کرده‌اند؛ اقدامی که تنها چند روز پس از آن انجام می‌شود که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، دستور «محاصره کامل همه نفتکش‌های مشمول تحریم در مسیر رفت و برگشت به ونزوئلا» را صادر کرده بود. کاخ‌سفید از ارائه موقعیت جغرافیایی توقیف نفتکش خودداری کرده و هیچ شفافیتی درباره گستره یا مبنای حقوقی این اقدام نشان نداده است. روزنامه نیویورک‌تایمز هم (NYT) به نقل از منابع خود گزارش داد که این کشتی در فهرست سیاه وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار ندارد. این محموله متعلق به یک تاجر نفت از چین بود که نفت ونزوئلا را به پالایشگاه‌های چین منتقل می‌کند.

«کریستی نوئم» وزیر امنیت داخلی آمریکا در رسانه اجتماعی ایکس در این‌باره نوشت: گارد ساحلی آمریکا با حمایت وزارت جنگ، یک نفتکش را که آخرین‌بار در ونزوئلا پهلو گرفته بود، توقیف کرد. آمریکا به مقابله با جابه‌جایی غیرقانونی نفت تحریم‌شده که برای تأمین مالی تروریسم موادمخدر در منطقه استفاده می‌شود، ادامه خواهد داد. به نوشته رویترز گرچه واشنگتن همچنان اقدامات خود را بخشی از «جنگ با قاچاق موادمخدر» توصیف می‌کند، اما عملیات انجام‌شده شباهت اندکی به مأموریت‌های مرسوم مقابله با موادمخدر دارد. این اقدامات، مطابق گزارش‌ها، بیشتر با استراتژی گسترده اجرای تحریم‌ها علیه بخش انرژی ونزوئلا هم‌راستاست؛ بخشی که ستون فقرات اقتصاد این کشور و منابع اصلی درآمد دولت محسوب می‌شود.

واکنش ونزوئلا

دولت ونزوئلا بامداد (دیروز)، به وقت تهران، با صدور بیانیه‌ای رسمی، اقدام نیروهای آمریکایی در مصادره یک نفتکش حامل نفت خام ونزوئلا در آب‌های بین‌المللی دریای کارائیب را به‌شدت محکوم کرد و این اقدام را «اقدامی خطرناک و نمونه‌ای آشکار از دزدی دریایی بین‌المللی» دانست. به گزارش رویترز، این بیانیه که از سوی وزارت امور خارجه این کشور منتشر شد، تأکید دارد: «جمهوری بولیواری ونزوئلا با قاطعیت، سرقت و ربودن یک کشتی خصوصی را که در حال انجام تجارت قانونی بین‌المللی و حمل نفت ونزوئلا بود، محکوم می‌کند.»

دولت نیکلاس مادورو در ادامه این بیانیه اعلام کرد که این دومین مورد مصادره نفتکش ونزوئلایی در کمتر از دو هفته اخیر محسوب می‌شود و بخشی از سیاست‌های فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ برای تضعیف اقتصاد ونزوئلا به‌شمار می‌آید. در این بیانیه آمده است: «این اقدامات تجاوزکارانه با هدف غارت منابع طبیعی ملت ونزوئلا انجام می‌شود و نشان‌دهنده نیت واقعی واشنگتن برای کنترل ثروت‌های انرژی ما است.» کاراکاس همچنین هشدار داد که این اقدام «بدون پاسخ نخواهد ماند» و اعلام کرد تمام گزینه‌های لازم برای دفاع از حقوق حاکمیتی خود را در دستورکار قرار خواهد داد. براساس این بیانیه، ونزوئلا قصد دارد شکایت رسمی خود را در شورای امنیت سازمان ملل متحد، سازمان کشورهای آمریکایی، سازمان بین‌المللی دریانوردی، سایر مجامع بین‌المللی مطرح کند. دولت ونزوئلا همچنین خواستار آزادی فوری خدمه کشتی مصادره‌شده، بازگشت محموله نفت شد.

گفتنی است در آخرین ساعات دیروز اعلام شد که آمریکا سومین نفتکش ونزوئلا را هم دزدید!

سرتیپ ارتش یمن خبر داد

غافلگیری‌های انصارالله در راه است

سرویس خارجی-

سرتیپ برجسته یمنی از آمادگی این کشور برای مقابله با هرگونه تشدید تنش توسط آمریکا، رژیم آپارتاید اسرائیل و مزدوران آنها خبر داده و گفته است: «یمن غافلگیری‌های زیادی در آینده دارد.»

انصارالله یمن، که اغلب برای غربی‌ها با نام «حوثی‌ها» شناخته می‌شود، از یک جنبش محلی شیعه زیدی در شمال یمن که در دهه ۲۰۰۰ علیه دولت مرکزی و نفوذ سعودی مبارزه می‌کرد، به تدریج با حمایت‌ها و راهنمایی‌های دیگر شاخه‌های مقاومت، به یک نیروی منطقه‌ای قدرتمند تبدیل شد و قابلیت‌های موشکی و پهپادی پیشرفته‌ای مانند موشک‌های بالستیک و کروز را توسعه داد که آن را به تهدیدی جدی برای منافع رژیم اسرائیل تبدیل کرده است. این تحول پس از ۷ اکتبر شتاب گرفت، زمانی که یمنی‌ها در همبستگی با حماس و به عنوان بخشی از «محور مقاومت»، جنگ علیه اسرائیل را اعلام کردند و صدها موشک و پهپاد به سمت اراضی اشغالی شلیک کرد، که این حملات نه‌تنها تجارت جهانی را از طریق اختلال در دریای سرخ مختل کرده (با هزینه‌ای تخمینی ۲۰۰میلیارد دلار)، بلکه رژیم اسرائیل را مجبور به تخصیص منابع دفاعی به جبهه جنوبی کرده است، که پیش‌تر بر تهدیدهای شمالی مانند حزب‌الله متمرکز بود. ناشناخته بودن نسبی این دشمن برای رژیم اسرائیل ناشی از فاصله جغرافیایی حدود ۲۰۰۰ کیلومتر و تمرکز تاریخی اسرائیل بر تهدیدهای نزدیک‌تر است، اما جدی بودن آن در مقاومت در برابر حملات هوائی اسرائیل و آمریکا، آموزش بیش از یک‌میلیون مبارز، و حفظ امنیت بالای رهبری‌شان (که ضربه‌زدن به آنها را دشوار می‌سازد) آشکار می‌شود، که این امر «حوثی‌ها» را به یک چالش استراتژیک غیرمنتظره و پایدار تبدیل کرده و پتانسیل تشدید درگیری‌های منطقه‌ای را افزایش داده است.

یمن و غافلگیری‌های آن!

چنان‌که اشاره شد یمن به عنوان دومین شاخه مقاومت که بعد از حزب‌الله لبنان برای حمایت از غزه به نبرد «طوفان‌الاقصی» پیوست، با عملیات‌های خود توانست یک تغییر ژئواستراتژیک ایجاد کند و به این ترتیب، موازنه قدرت را در منطقه متحول کند. در همین مورد، به گزارش «مهر»، سرتیپ «مجیب شمسان»، کارشناس امور نظامی و استراتژیک یمن که به عنوان یک نظامی نزدیک به صنعا شناخته می‌شود، در گفت‌وگو با العهد اعلام کرد: «تحولات ایجادشده توسط یمن، حضور آمریکا را در دریای سرخ کاهش داده و توانایی یمن در سیطره بر منابع انرژی و ترانزیت دریایی را ثابت می‌کند.» این کارشناس یمنی اظهار داشت: «بعد از شکست ۵ ناو هواپیمابر آمریکا در شکستن محاصره تحمیل‌شده توسط یمن به رژیم صهیونیستی یا محافظت از این رژیم در برابر عملیات‌های یمن، ایالات‌متحده قدرت بازدارندگی خود را مقابل یمن از دست داده و از فاز تهاجمی وارد فاز دفاعی شد. یمن توانسته است در یک بازه زمانی محدود، قابلیت‌های نظامی خود را توسعه دهد و موشک‌های بالستیک و کروز خود را به سطوح پیشرفته‌ای برساند که صحنه عملیاتی گسترده‌ای را تا اقیانوس هند و دریاهای سه‌گانه ایجاد کرده است.»

سرتیپ مجیب شمسان گفت: «همچنین پهپادهای یمنی موفق شدند از جدیدترین سیستم‌های دفاعی و فناوری آمریکایی و صهیونیستی عبور کنند و به اهداف حیاتی در اعماق فلسطین اشغالی برسند و آنها را مورد اصابت قرار دهند.» این کارشناس امور استراتژیک در ادامه به غافلگیری‌هایی که یمن در آینده برای دوستان و دشمنان خواهد داشت، اشاره و تأکید کرد که نبرد با دشمن تمام نشده است و نیروهای مسلح یمن هنوز غافلگیری‌های زیادی آماده کرده‌اند. وی تصریح کرد: «همچنین کار بر روی توسعه قابلیت‌های نظامی براساس ارزیابی‌های میدانی ادامه دارد تا یمن بتواند با چالش‌های این مرحله و الزامات حمایت از آرمان فلسطین روبه‌رو شود.» این اظهارات کارشناس مذکور یمنی بعد از آن مطرح می‌شود که طی هفته‌های گذشته، آمریکا و رژیم صهیونیستی، توطئه‌های خود را در جبهه داخلی یمن با استفاده از مزدوران عربستان و امارات افزایش داده‌اند و به شکل آشکار و پنهان، تهدید به شعله‌ور کردن دوباره آتش جنگ در یمن می‌کنند. مقامات صنعا بارها با هشدار به مزدوران در مورد هرگونه آسیب به امنیت و ثبات یمن، تأکید کرده‌اند که یمنی‌ها برای مقابله با هرگونه تحریک و توطئه دشمن آمادگی کامل دارند و دشمن در مرحله بعدی بیشتر غافلگیر خواهد شد.

آینده تاریک رژیم در برابر مقاومت یمن

در پایان گفتنی است، رژیم اسرائیل به دلیل عدم اشراف اطلاعاتی جامع بر انصارالله یمن، که ناشی از فاصله جغرافیایی حدود ۲۰۰۰ کیلومتر، اولویت‌بندی پایین‌تر یمن به عنوان جبهه ثانویه در مقایسه با تهدیدهای نزدیک‌تر مانند حزب‌الله و حماس، و چالش‌های جغرافیایی و اجتماعی یمن مانند زمین‌های کوهستانی ناهموار، پناهگاه‌های متحرک رهبری یمنی‌ها در غارها و خانه‌های پراکنده، و روش‌های ارتباطی ابتدائی و غیرقابل رهگیری است، نمی‌تواند سیطره قابل‌توجهی بر این گروه اعمال کند. این کمبودها مانع از جمع‌آوری اطلاعات سیگنالی (SIGINT) مؤثر، نفوذ انسانی در شبکه‌های قبیله‌ای بسته و وفادار یمن، و هدف‌گیری دقیق رهبران انصارالله شده و اسرائیل را بیشتر به وابستگی به آمریکا برای اطلاعات محدود کرده است که البته کار چندانی از آن هم برنمی‌آید، چنان‌که دیدیم. تنها راه باقی‌مانده برای اسرائیل، متوسل‌شدن به مزدوران و نیروهای نیابتی اماراتی در شرق و جنوب یمن، مانند شورای انتقالی جنوب (STC) و نیروهای مقاومت ملی، است که با حمایت مالی و تسلیحاتی امارات علیه شمال یمن عمل می‌کنند و حتی به دنبال اتحاد با اسرائیل برای مقابله با دشمنان مشترک هستند، اما این نیروها خود با قدرت مقاومت انصارالله آشنا بوده و می‌دانند که شکست دادن آنها تقریباً ناممکن می‌نماید، زیرا حوثی‌ها با انعطاف‌پذیری بالا، استقلال در تصمیم‌گیری‌ها، و کنترل بر مناطق اساسی، در برابر حملات هوائی و زمینی پایدار مانده‌اند و پیشرفت‌های مزدوران امارات را محدود به مناطق جنوبی کرده‌اند. تمام این هم در شرایطی مطرح می‌شود که منابع وابسته به مزدوران عربستان با تکذیب هرگونه آتش‌بس و آرامش در جنوب یمن، اعلام کردند که شورای انتقالی جنوب همچنان به اقدامات تحریک‌آمیز خود ادامه می‌دهد و امارات در پی ایجاد یک دولت نظامی در جنوب یمن بوده و خشم ریاض را برانگیخته است. علی‌رغم آرامش ظاهری در جنوب یمن، در بحبوحه تماس‌های سیاسی مداوم در پشت‌صحنه در چندین پایتخت عربی برای مهار پیامدهای تشدید درگیری‌ها که هفته‌ها پیش میان مزدوران سعودی و اماراتی به‌دنبال پیشرفت شورای انتقالی جنوب وابسته به امارات در استان‌های اشغالی یمن آغاز شد، اما شواهد حاکی از ادامه و گسترش درگیری‌هاست.

گام بلند فرانسه برای صیانت از فضای مجازی

سرویس خارجی-

وزیر امور هوش مصنوعی و دیجیتال فرانسه اعلام کرد دولت ماکرون مصمم به ساماندهی پلتفرم‌هاست و لایحه ممنوعیت استفاده افراد زیر ۱۵ سال از شبکه‌های اجتماعی آماده شده است.

بسیاری از کشورها برای ساماندهی به فضای مجازی قوانین بسیار سختگیرانه‌ای علیه پلتفرم‌ها وضع کرده‌اند. اتحادیه اروپا در این زمینه پیشرو بوده است. طی سال‌های اخیر این اتحادیه اقدامات گسترده‌ای برای قانونمند کردن پلتفورم‌ها و شبکه‌های اجتماعی انجام داده که هدف اصلی آن ایجاد فضای دیجیتال منصفانه، شفاف و ایمن‌تر برای کاربران، کسب‌وکارها و جامعه بوده است. مهم‌ترین بخش این چارچوب، دو قانون اصلی هستند: قانون خدمات دیجیتال و قانون بازارهای دیجیتال. قانون خدمات دیجیتال از سال ۲۰۲۴ به‌صورت عملی برای بسیاری از پلتفرم‌ها اجرائی شده و از آن زمان اتحادیه اروپا نظارت و اجرای آن را تشدید کرده است. این قانون شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات آنلاین را ملزم می‌کند که مسئولیت بیشتری در برخورد با محتوای غیرقانونی و خطرناک داشته باشند. شفافیت بیشتری درباره‌ی حذف محتوا، محدودسازی حساب‌ها و تصمیم‌گیری‌های الگوریتمی ارائه دهند و برای کاربران امکان اعتراض و دسترسی به فرآیندهای حل اختلاف را فراهم سازند.

قانون بازارهای دیجیتال نیز در همین دوره به اجرا درآمده و به‌ویژه در سال‌های اخیر اتحادیه اروپا آن را در قالب بازرسی و جریمه علیه شرکت‌های بزرگ فناوری توسعه داده است. این قانون با هدف جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت غالب در بازار دیجیتال و ایجاد رقابت منصفانه وضع شده و از سال ۲۰۲۴ شرکت‌های بزرگی مانند اپل و متا را تحت فشار قرار داده است؛ برای مثال اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۵ جریمه‌های سنگینی برای نقض مقررات این قانون علیه اپل و متا وضع کرد که نشان‌دهنده اجرائی‌تر شدن این قوانین است. در آخرین مورد نیز شبکه اجتماعی ایکس متعلق به ایلان ماسک به‌دلیل عدم رعایت قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا ۱۴۰میلیون دلار جریمه شد. این جریمه با واکنش بسیار شدید مقامات آمریکایی مواجه شد و حتی خود ایلان ماسک خواستار انحلال اتحادیه اروپا شد. ماسک در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اتحادیه اروپا باید منحل شود و حاکمیت به کشورهای عضو بازگردد تا دولت‌ها بتوانند نماینده بهتری برای مردم خود باشند.

فرانسه و ساماندهی فضای مجازی برای کودکان

اتحادیه اروپا همزمان با قوانین کلی اقدامات جزئی‌تری نیز در راستای قانونمند کردن شبکه‌های اجتماعی در دستورکار خود داشته است از جمله: